

بررسی ویژگی های مدرنیسم در رمان ملکان عذاب ابوتراب خسروی

نصرت اله خاکیان

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب

چکیده

ابوتراب خسروی نویسنده ای است که اتفاقات تاریخی ایران را در قالب داستان و به سبک مدرنیستی بیان کرده است. این رمان نویس، به طریق جریان سیال ذهن داستان می نویسد. خواننده هنگام خواندن رمان ملکان عذاب، خود نویسنده می شود و می تواند ببیند، بشنود و نزد خود تخیل و تصور کند. در این رمان چند داستان در هم تنیده شده است. داستان های خسروی بوی رؤیا و اسطوره می دهند؛ به همین خاطر «همه زمانی» و «همه مکانی» هستند. ابوتراب خسروی در این رمان روایت های موازی را ترسیم کرده و شخصیت ها، زمان و گذر آن را ادغام کرده است. ملکان عذاب، بعد از رمان اسفار کاتبان و رود راوی، سومین رمان برجسته ابوتراب خسروی است؛ رمانی که آغاز آن با شخصیت پردازی خوب نویسنده شروع می شود. نویسنده رمان را با روایت زکریا در دوران کودکی آغاز می کند؛ پس از آن مخاطب را با روایت های گوناگون مواجه می کند. به نظر می رسد ملکان عذاب روایتی تاریخی از چند نسل است؛ اما از لایه های آن متوجه می شویم نویسنده به دنبال ایجاد سؤالی بزرگ تر در ذهن مخاطب است. در این پژوهش، کوشش شده است ویژگی های مدرنیسم در رمان ملکان عذاب به روش تحلیل محتوا مشخص شوند و می خواهیم بدانیم جایگاه ویژگی های مدرنیسم در آن چگونه است؟ در این رمان قهرمان سنتی وجود ندارد و زاویه دید آن، سوم شخص (دانای کل) است.

کلید واژه ها: ملکان عذاب، رمان، ویژگی، مدرنیسم